

قرار داد استراتژیک یا ستهء معاملات فروش خانه!؟

چند روز پیش متن کامل به اصطلاح « اعلامیهء همکاریهای ستراتیژیک کابل - واشنگتن » توسط تارنمای وزین پیام افتاب نشر شد اما معلوم نیست که این اصل قرار داد است یا خیر؟ و یا اینکه واقعاً لیک شده و یا جهت تفتیش آرای مردم به نشر داده شده است!!؟ به هر صورت ارزیابی آتی در مورد تقدیم است.

در بخش اول کدام چیزی قابل تشویش وجود ندارد.

در بخش دوم ، سال ۲۰۱۵ بعوض سال ۲۰۱۴ بیشتر به نظر میرسد که یک تاریخ نو و قبلاً یاد نه شده است. در این بخش زیادتیر از عملکرد دولت افغانستان جهت اعمار دیموکراسی، فراهم ساختن رفاه عامه و اشتراک مردم در حیات سیاسی سخن گفته شده و اگر دقیق شوید درک میکنید که اینها همه از وظایف دولتها و منجمله از وظایف دولت افغانستان است که تذکر آن در متن این اعلامیه بیجا بوده و به جز آنکه قرارداد را طویل و توجه خواننده را از درک مسایل مهم و حیاتی در این پیمان بدور سازد هدف دیگری ندارد.

در این بخش به امریکا و ممالک ناتو اجازه داده می شود تا علاوه بر کابل در شهر های دیگر افغانستان نیز نمایندگی سیاسی داشته باشند. طبق تعامل معمول بین المللی به ممالک خارجی اجازه داده می شود تا در مرکز مملکت سفارت خود را تاسیس نمایند. معمولاً در سفارت ها علاوه بر هیئت سیاسی، ائشه نظامی و کلتوری و کنسلگری تجارتی ایفای وظیفه می کنند، اما بعضاً بنابر توسعه روابط تجارتی، به مقصد تسهیلات در امور، تاسیس کنسلگری های خارجی در ولایاتی که دارای مراکز عمده تجارتی اند اجازه داده می شود اما نه به ساز و برگ وسیع نظامی و جاسوسی .

وضع مبهم این بخش به امریکا موقع میدهد تا جاسوسان خود را بنام دیپلومات جا زده با نصب دستگاهای جاسوسی در ولایات سرحدی افغانستان انگیزه ای دشمنی بین افغانستان و همسایه

هایش را فراهم ساخته از میتود « تفرقه انداز و حکومت کن» به نفع خود استفاده کند. در بند دیگر این قرارداد جهت مبارزه با تروریسم به همکاری نزدیک جاسوسی بین دو مملکت تاکید گردیده این بند خطر آنرا به وجود می آورد تا امریکا شعبات جاسوسی خود را در تمام ولایات افغانستان پخش کرده و وزارت امنیت ملی افغانستان به یکی از شعب دستگاه های جاسوسی ممالک امپریالستی تبدیل گردد. همچنان در این بخش از رشد اقتصادی و خود کفایی افغانستان از نظر تولیدات زراعتی سخن آمده است که از طرف امریکا کدام تضمینی وجود ندارد و اکثر جملات با کلمات «خواهد بود و خواهد شد» ختم گردیده و بیشتر مربوط افغانستان میباشد.

در بخش سوم دولت کرسی تعهد می نماید که قانون اساسی افغانستان را تطبیق کرده اصول دیموکراسی و حقوق بشر را مراعات می کند. فکر می کنم این موضوع مربوط به مردم افغانستان است که چه نوع قانون اساسی و چه قسم حکومت داشته باشند و مکلف نیستند تا در این مورد به خارجی ها تعهد بدهند و دکته ایشان را در حیات سیاسی - اجتماعی خود پیاده کنند، از جانب دیگر تجربه ده سال اخیر نشان داد که جمهوری ریاستی به افغانستان ناکارا بوده و مردم مصمم اند تا قانون اساسی خود را مطابق به عنعنهء تاریخی، روحیه ملی و اسلامی خود تغییر دهند و جمهوری پارلمانی را استوار سازند.

بخش چهارم این قرارداد شامل مسایل بسیار عمده و اساسی است که باعث سلب استقلال افغانستان گردیده آن را منحصراً مستعمره امریکا و ناتو می سازد. در یک جای بطور خجالت آمیز آمده است که « دولت افغانستان از نیروهای نظامی ایالات متحده دعوت به عمل آورده تا به عملیات کمکی خود برای تامین امنیت. . . ادامه بدهد » این مطلب باعث می گردد تا عساکر امریکا و ناتو به بهانهء امنیت افغانستان سال های متمادی در افغانستان بمانند. در حالیکه رویداد های ماه های اخیر نشان داد که خود شان عامل تروریسم و مخرب اوضاع امنیتی افغانستان اند.

در این خصوص باید به همه خاطر نشان ساخت که افغانستان یک مملکت مستقل و بیطرف است، انتخاب به مردم افغانستان است که بیطرفی و عدم انسلاک خود را حفظ می نمایند و یا به سازمان شانگهای می پیوندند و یا با ناتو ارتباط قایم می کنند، چه نوع اردو می سازند ؛ از کجا سلاح خریداری می کنند. . . هیچکس اجاره ندارد تا طبق این نوع قرارداد ها این موارد داخل حوزه استقلال و خود ارادیت را به افغانستان دگته نماید. زیرا انتخاب این موارد، حق طبیعی و قانونی مردم افغانستان است.

در ماده ۵ این بخش آمده است که بعد از سال ۲۰۱۴ آمریکا و ناتو نیروهای خود را در افغانستان کاهش میدهند اما مشخص نیست که چقدر کاهش می دهند در حالیکه خواست مردم افغانستان است تا در ۲۰۱۴ آخرین سرباز آمریکا و ناتو خاک افغانستان را ترک کند.

در ماده ۶ این بخش افغانستان تعهد می نماید که تاسیسات نظامی خود را به دسترس مداوم نیروهای امریکایی قرار میدهد اما در مقابل چیزیکه آمریکا تعهد می کند (در بند الف) مدیریت زندان هاست که از آن مشخص نام برده نه شده است.

در تاریخ دیده نه شده است که خارجی ها افغانها را در وطن خود شان در زندانهای علنی و مخفی خود و انهم به شکل بسیار فجیح ان محبوس و شکنجه نمایند. این یک حقیقت تاریخی است من قضاوت روی این جنایات قبیح را به تمام مردم صلح دوست جهان می گذارم.

اصلاً نیروهای متکبر امپریالستی به مثابه دشمن بشریت در سیاره ما ارزش هیچ نوع روابط را ندارند که با ایشان منعقد گردد.

گر چه در بند (ب ماده ۶) این بخش امریکا اعلام میدارد که در صدد ایجاد پایگاه های دائمی نیست اما این یک فریب محض است زیرا در بند الف قبلاً تعهد اجازه استفاده از پایگاه های نظامی یعنی میدانهای هوایی را از افغانستان گرفته است.

این وضع قصه ای را بیادم می آورد که خواهر زاده ی نزد مامایش رفت، ماما مصروف دانه دادن کبوترهایش بود، یکی از کبوتر ها خوش خواهرزاده آمد از ماما خواهش کرد تا ان کبوتر را برایش بدهد ماما گفت بسیار خوب از تو باشد ، در وقت خدا حافظی خواهر زاده میخواست کبوتر را ببرد مامایش گفت نه بچیم کبوتر از تو باشد اما پیش من. پایگاه هم از افغانستان باشد اما پیش امریکایها.

طبق بند (ج ماده ۶) مانند سابق به امریکا ازادی عمل در عملیات نظامی اش که البته بمباردمان مردم بیگناه در شهر ها وقصبات، حمله های شبانه به خانه های مردم بیگناه شامل ان است داده می شود.

این فقره قرارداد، گفته کرزی را نفی میکند که چندی پیش اعلام نمود که با امضای این قرارداد حمله های شبانه به خانه های مردم بیگناه افغانستان قطع میگردد.

این ادعای کرزی به ارتباط به این قرارداد خیلی مضحک است از اینرو ناچارم تا فکاهی در مورد پیشکش کنم .

روزی دزدی به خانه ملا نصرالدین آمد ، دزد در وسط اتاق دایره ی کشید ملا را در آن دایره استاده کرد و گفت اگر پایت را بیرون گذاشتی میکشمت و خودش به جمعآوری اموال شروع نمود. این قصه را ملا به رفیق خود حکایه میکرد رفیقش به ملا گفت که بیغیرت تو در دایره استاده شدی و هیچ کاری نکردی ؟ ملا گفت چرا نی من هم زن پدرش را چطور و چنان کردم.

رفیقش گفت چه کردی ؟ ملا گفت هر لحظ که روی دزد دگر طرف می شد من پایم را از دایره می کشیدم.

در بند (دال ماده ۶) افغانستان تعهد می نماید که هر جنایتی را که عسکر اجنبی بر ضد مردم افغانستان مرتکب شوند نزد محاکم افغانستان مسئول نمی باشند.

در ماده ۱۰ از حمله و تجاوز خارجی بالای افغانستان سخن رفته است. در این فقره امریکا حمایت قاطع خود را از افغانستان تعهد نکرده بلکه موضوع را به تحقیق و مذاکره موکول میدارد چنانچه در راکتباران مناطق سرحدی افغانستان توسط پاکستان هیچ حرکتی از خود نشان نداد.

خلاصه بخش چهارم این قرارداد نهادینه سازی و قانونمند ساختن وضع فعلی یعنی اشغال افغانستان و ازادی در کشتار مردم بیگناه افغانستان را برای سالیان متمادی برای امریکا و متحدینش تضمین مینماید و افغانستان را به صحنه جنگهای استمراری در منطقه تبدیل میکند.

در اینجا باید تذکر داد که امپریالیزم در حالت استقرار و استحکام صلح و سلام در جهان به حیات خود ادامه داده نمیتواند و به عباره دیگر این غول خونخوار؛ بدون جنگ از بین میرود . بناً ایجاد محراق های تشنج و جنگهای استمراری (جنگ افغانستان، عراق، لیبیا و جنگ های دیگر که خواهد آمد) توسعه و پخش نفوذ ناتو در تمام ممالک جهان باعث میگردد تا بطور دوامدار پول به گاو صندوقهای کمپلکس صنعتی - نظامی از حساب مردم صلح دوست و بیگناه سیاره ما به شمول مردم زحمتکش امریکا و اروپا سرازیر گردد و امپریالیزم از این مدرک تغذیه نماید.

بخش پنجم این پیمان در ظاهر حاوی نکات فریبنده است اما متاسفانه تحقق آن نسبت حضور نظامی خارجی مانند ده سال گذشته غیر عملی خواهد بود. از جانب دیگر این وعده های سر خرمن همه دروغ بوده و اصلاً قابل اعتبار نیست چه مقامات امریکائی و خادمان و اجیران شان از ارکان دولت گرفته تا رئیس جمهور همه دروغ میگویند و هر روز با بی مسئولیتی به اظهارات ضد و نقیض می پردازند ، منجمله عدم دریافت سلاحهای کشتار دسته جمعی در عراق ثبوت این ادعا است.

از جانب دیگر آنها به بهانه امحای تروریزم ، باز سازی افغانستان و اعمار دیموکراسی، افغانستان را اشغال کردند اما در این ده سال گپ شان به قتل مردم بیگناه افغانستان، اختلاس، رشوه، دزدی، آدم ربائی، قاچاق و تجارت مواد مخدر و بالاخره مصالحه و آشتی با تروریزم انجامید .

با در نظر احتجاجات ۹۰% به مقابل ۱% در شهرهای عمده ایالات متحده امریکا این یک خیال باطل است اگر فکر کنید که امریکا و ممالک عضو ناتو که خود شان به رکود اقتصادی مواجه بوده میلیون ها نفر بیکار، بی سرپناه، ناتوان از دسترسی به تحصیل و کمکهای طبی دارند بتوانند و یا بخواهند به افغانستان کمک کنند . به نظر من بر عکس آنها به افغانستان آمده اند تا افغانستان کمک شان کند.

به اساس بخش ششم این پیمان همه اقدامات دولت افغانستان در مورد انکشاف تجارت، صنعت، زراعت و معارف تحت نظارت و مشوره خارجی ها صورت می گیرد کدام تضمین مشخص وجود نداشته هر آنچه صورت می گیرد تحت شرایط خارجی ها میباشد.

مطابق بخش هفتم، عنصر عمده ایکه استقلال و امنیت دستگاه های امنیتی افغانستان را به خطر مواجه می سازد تاکید در استخدام شرکت های امنیتی خصوصی توسط دولت افغانستان و امریکائی ها در این پیمان است که از یک طرف عاید سرشاری را از حساب مردم افغانستان به جیب شرکتهای خصوصی می اندازد و از جانب دیگر باعث بی ثباتی اوضاع امنیتی افغانستان میگردد چه امریکائی ها می توانند از این نیرو ها هر طوریکه بخواهند استفاده کنند.

در مورد ایجاد کمسیون های خارجی در پهلوی کمسیونهای افغانی و یا مشترک باید گفت که این وضع سبب ایجاد یک دولت مشورتی و اداره چی در پهلوی دولت افغانستان گردیده از نظر اقتصادی افغانها را تا گلو در قروض خارجی غرق خواهد کرد.

در ختم آمده است که این قرارداد توسط کرزی و اوباما امضا میگردد و درج نه شده که این پیمان بعد از تائید شورای ملی افغانستان قانونی میگردد که این هم نقض قانون اساسی و کم بها دادن به آرای عامه و نادیده گرفتن پارلمان افغانستان است .

نتیجه گیری :

۱- به اساس این قرارداد افغانستان دست بسته به امریکا و ناتو تقدیم گردیده حیثیت مستعمره شان را بخود میگیرد.

۲- امضای این قرارداد هیچ نوع تغییری در وضع فعلی افغانستان نیاورده مانند ده سال گذشته آمریکا و ناتو در زمین و هوا هر نوع عملیات نظامی، بمباردمان، و جنگ استمراری را پیش برده منسوبین آنها مستقل و خود سر باقی مانده و از هیچ نوع جنایت بر ضد مردم افغانستان نزد مقامات افغانی مسئول نمی باشند.

۳- این پیمان شکل یک سند شخصی بین کرزی و اوباما را داشته مثل آنست که کرزی خانه شخصی خود را به اوباما قباله بدهد.

۴- کرزی ریس جمهور قانونی مردم افغانستان نیست. او در اول توسط برچه خارجی نصب و بعداً در یک انتخابات تقلبی و غیر شفاف از طرف خارجی ها و با مداخله خارجی رئیس جمهور اعلان شد. بناءً امضای او اعتبار قانونی ندارد.

۵- مردم افغانستان آزاد بوده و خواهند بود هیچ نیروی حق ندارد تا اینگونه پیمان ها را بالایشان تحمیل نماید.

۶- آمریکا هیچ دلیل قانونی برای اشغال افغانستان ندارد زیرا هیچ یک افغان در حادثه ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ دست نداشته ، افغانستان مقابل آمریکا اعلان جنگ نداده که اکنون آمریکا به حیث دولت فاتح شرایط خود را دیکته میکند. از نشرات معلوم میشود که طالبان دو مرتبه با آمریکا تماس گرفتند تا بن لادن را تسلیم کنند اما از اینکه آمریکا عمداً قصد اشغال افغانستان را داشت به پیشنهاد آن ها وقعی نگذاشت، حتی اگر طالبان را مسئول واقعه المناک ۱۱ سپتمبر میدانند باز هم مردم افغانستان کدام مسئولیتی ندارند زیرا حکومت طالبان را مردم افغانستان انتخاب نکرده بودند بلکه آمریکا و متحدینش طالبان را خلق کرده بر افغانستان حاکم ساختند از اینرو مسئولیت متوجه خود شان است نه متوجه مردم افغانستان.

۷- آمریکا و دستگاه های جاسوسی اش با تباری انگلیس، عربستان سعودی و پاکستان از ۳۰ سال بدین طرف به شکل مستقیم و غیر مستقیم در تخریب افغانستان، قتل عام و آوارگی میلیون ها افغان بی گناه مرتکب جنایات هولناکی شده اند که باید جبران آنرا بپردازند .
مریضان ومعلولین ناشی از استعمال یورانیوم ضعیف شده در افغانستان را مجانی تداوی نمایند.

۸- این کاملاً یک دروغ محض است که بعضی از سران غربی شایع میکنند که گویا بعد از خروج عساکر اتحاد شوروی افغانستان را فراموش و به حال خودش گذاشتند و بعضی از مبصرین سیاسی ما طوطی وار این اراجیف را تکرار میکنند. نه، آنها هیچ وقت از سر ما

دست بردار نبودند، حتی از زمان سردار محمد داود خان فقید تا حال جهت رسیدن به اهداف ستراتیژیک بصورت متواتر دسیسه کردند تا افغانستان را اشغال نمایند و اکنون نیز با طرح این پیمان ننگین دسایس شان ادامه دارد. البته مشتعل نمودن جنگ داخلی بین گروه های مختلف مجاهدین و پروژه طالبان ثبوت این ادعاست.

دراخیر متاسفم به حال آنعده از افغان های که با زبونی و خیانت بوطن و مردم در طرح این قرارداد اشتراک کرده اند و در پای آن امضا میکنند و تا ابد نام شان در لست سیاه خائنین به وطن درج صفحات تاریخ وطن ما میگردد.

اذعان باید کرد که بیجاست از آنهایی که شهامت رهایی خود و وطن را از چنگال اوکتاپوس مرگ ندارند چیزی بیشتر توقع کرد بی شک که این شعر اقتباس شده از مقاله آغای بغلانی با کمی تغییر خوب بحال شان مطابقت دارد.

چپن پوشی من از غایت راستکاری نیست پرده ای بر سر صد خبث نهان میپوشم
پدرم روضه رضوان بدو گندم بفروخت نا خلف باشم اگر من به جوی نفروشم

در آخرین تحلیل تنها مقاومت پیگیر و همه گانی تمام نیروهای ملی، مذهبی و تمام مردم افغانستان می تواند نیروهای اهریمنی را از سرزمین مقدس ما رانده و افغانستان عزیز را به شهرآه سر بلندی و ترقی هدایت کند.

www.ayenda.org